

تاریخ سکر

محمّد علی شاہ
دروودمان ہجیرت

(قرون پنجم چارم ہجری قمری)



سعید سلیمانی

تاریخ سکه

محلّہ سربرا
در دودمان حاکمیرا

(قرون پنجم تا چہارم ہجری قمری)



سید سلیمانی

انتشارات
برگ نگار



سرشناسه : سلیمانی، سعید، ۱۳۴۶ -
 عنوان و نام پدیدآور : تاریخ سکه در دودمان‌های محلی ایران (قرون سوم و چهارم ه.ق) / سعید سلیمانی.
 مشخصات نشر : تهران: بزرگ‌نگار، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۶۷۲ ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۵۴-۷۰-۳
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : سکه‌های ایرانی - ایران - تاریخ - قرن ۳ و ۴ ق.
 موضوع : Coins, Iranian - Iran - History - 9-10th century
 موضوع : سکه‌شناسی - ایران - تاریخ
 موضوع : Numismatics - Iran - History
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۶ ت ۸ س / ۲۷۶۵ CJ
 رده‌بندی دیویی : ۷۲۷ / ۴۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۷۴۱۷۴۱

انتشارات
بزرگ‌نگار

تاریخ سکه

در دودمان‌های محلی ایران
(قرون سوم و چهارم هجری قمری)

سعید سلیمانی

- بازخوانی متن و ویراستار فنی: سیدمحمدعلی موسوی
- ویراستار ادبی: هادی دهقانی یزدلی
- صفحه‌آرایی و طراحی جلد: محمد نجفی‌زاده

نقش‌رنگ پنجم
راژ: ۱۰۰۰ جلد

نشر پازینه

قیمت: ۷۵۰/۰۰۰ ریال

۹۶ - ۹۷۸

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.
استفاده از مندرجات این کتاب با ذکر مأخذ بلامانع است.

نشانی: خیابان شهید رجایی، خیابان پارس، میدان پارس،
مجتمع تجاری پارس، زیر همکف، شماره ۲۹

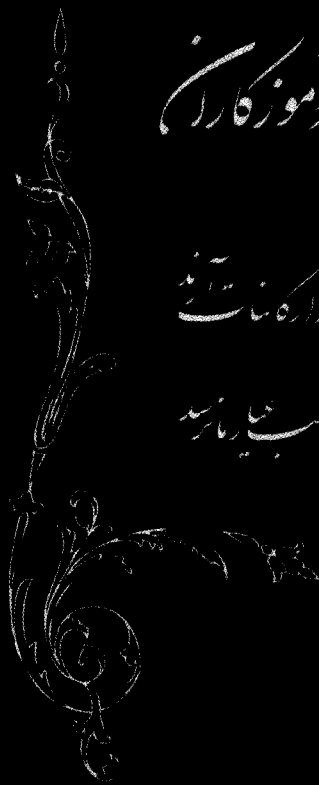
تلفن: ۴۴۷۵۱۰۶۸ - ۴۴۷۵۱۰۸۱ - ۵۵۰۴۳۰۱۵

www.bargnegar.com
info@bargnegar.com

تقدیم بہ ہمہ آموز کاران

بہ از تقدیر بزرگمان

یکی بسک صاحب میرزا





فهرست

۱۰	دستخط شادروان سیدجمال تریابی طباطبائی
۱۱	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
۱۷	ارزیابی منابع و مآخذ
۲۷	مدخل: مروری بر سکه‌های انقلابیون شیعی در قرن دوم هجری قمری
۴۹	فصل اول: خاندان سهل سرخسی
۹۱	فصل دوم: طاهریان
۱۱۷	فصل سوم: آل قارن
۱۲۱	فصل چهارم: بنی دُلف
۱۲۹	فصل پنجم: علویان
۱۳۳	علویان طبرستان (سادات حسنی)
۱۴۰	فاطمیون مصر
۱۴۳	علویان حسینی (شاخه ناصری)
۱۴۵	علویان حسینی (شاخه قاسمی)
۱۵۰	علویان حسینی (شاخه ثائری)
۱۵۴	علویان حسینی (شاخه بطحانی)
۱۵۷	سرداران و شهریاران دیلمی
۱۶۹	فصل ششم: صفاریان
۱۷۳	بنی لیث
۱۸۵	صاحب الزنج
۱۸۶	موفق عباسی
۱۸۹	سکه‌های امیران وابسته یا یاغی به صفاریان
۱۹۰	دولت دوم صفاریان (حکومت محلی)
۲۰۲	

هفتم: دیالمه (حوزه دریای مازندران و جبال)

آل زیار	۲۲۹
آل بویه	۲۳۱
باوندیان (اسپهبدان قارنی)	۲۴۹
استداران رویان (پادوسپانیان)	۲۶۴
حسنویگان برزگانی	۲۷۲
بنی کاکویه	۲۷۲
بنی عناز	۲۷۶
بنی کاکویه	۲۹۰
فصل هشتم: محدوده تحت تسلط مستقیم بنی عباس (بعدها دیالمه، کردان و ...)	۲۹۵

فصل هشتم: محدوده تحت تسلط مستقیم بنی عباس (بعدها دیالمه، کردان و ...)

والیان عرب تحت امر خلیفه عباسی	۲۹۷
ساجیان	۳۰۷
مسافریان	۳۲۱
روادیان	۳۵۲
شدادیان	۳۵۶
هذبانیان	۳۶۴
جعفریان تغلیس	۳۷۲
دودمان های ارمنی و گرجی تبار	۳۷۶
شروان شاهان	۳۷۹
هاشمیان	۳۸۳
فصل نهم: بویهیان (حوزه جزیره، بطیحه و بغداد)	۳۹۷

فصل نهم: بویهیان (حوزه جزیره، بطیحه و بغداد)

امیرالامرایان	۳۹۸
حمدانیان	۴۰۸
بنی عقیل	۴۱۲
آل بویه (در جزیره)	۴۱۵
امیران البطیحه	۴۱۷
مروانیان	۴۲۶
نمیریان	۴۲۹
بنی مزید	۴۳۰
فصل دهم: بویهیان (حوزه کرمان، مکران، عمان و خلیج فارس)	۴۳۰

فصل دهم: بویهیان (حوزه کرمان، مکران، عمان و خلیج فارس)

امیران کرمان	۴۳۰
امیران عمان و مکران	۴۳۰
امیران بحرین	۴۳۰

۴۵۵	دیگر امیران حوزه خلیج فارس
۴۵۷	فصل یازدهم: سامانیان (محدوده جغرافیایی خراسان و ماوراءالنهر)
۴۶۱	دهقانان مستقل
۴۶۲	فرزندان سامان خداده
۴۷۵	سامانیان خُجَند
۴۷۷	سامانیان اخشیگث
۴۸۰	شاهزادگان مدعی سامانی
۴۸۶	والیان شهرها
۵۴۵	دودمان‌های وابسته
۵۵۲	وزیران
۵۵۳	حاجیان، سرداران بزرگ و سپهسالاران (قدوت‌گیری ترکان)
۵۸۷	فصل دوازدهم: قراخانیان و سکنه‌های تقلیدی اقوام اسلاو، خزر و
۶۰۵	نتیجه‌گیری
۶۰۹	پیشنهاد
۶۱۱	فهرست منابع و مآخذ
۶۲۱	نمایه

موسیٰ علیہ السلام را در این بر مکتوبات گرامی که در دست می رسد به مسخرات علی بن ابی طالب

بابت نشانی برادر در دواخانه حضرت زینبیه با جدت و زینبیه

اینستند در دم قبری که خوانند و نام که بگذرند و شهادت

بسم الله الرحمن الرحيم
والله اعلم بالصواب

حق القائل في ذلك انه لا يضر الله اراي صاحب نظر وعلم
سيدنا سيدنا عالم عادلهم العرفون في بعض الامام

سید محمد علی



مقدمه

و يعلمکم الکتاب والحکمه و يعلمکم مالم تکنونوا تعلمون

تاریخ عبارت است از حوادث و تجارب گذشته بشر؛ و از منظر عقلانی محصول کنش انسان‌هاست؛ نه ایده‌ها و نظریه‌پردازی‌ها. به عبارت دیگر تاریخ در حکم حافظه است که حوادث و تجارب گذشته بشر تا حد زیادی به واسطه آثار مکتوب در آن حفظ شده است.

تاریخ‌پژوهان اغلب رویدادهای تاریخی را با متون به‌جا مانده از پیشینیان می‌سنجند؛ منابعی که اغلب در حوزه حکومت‌های مسلط و بانفوذ آنان تدوین شده است.

تفکر برخاسته از این منابع براساس اندیشه مذهبی غالب، رویکرد سیاسی و فکری دستگاه حاکم متغیر است. از دید تاریخ‌نگاران افق رویدادهای تاریخ درخشان نیست. متغیرهای اصلی در خوانش منابع، گاه بی‌اعتمادی مخاطبان را برمی‌انگیزد.

اهمیت تاریخ از آن روست که نقش بنیادینی از تفکر بشر دارد. تاریخ همچنین از طریق درک نیروها، انتخاب‌ها و شرایطی که ما را به لحظه حال رسانده‌اند باعث می‌شود اکنون خود را بهتر بشناسیم.

موضوع مورد مطالعه تاریخ، گذشته‌ای است که دارای اهمیت باشد؛ یا این رویکرد می‌توان افعال و اعمال اشخاص و نهادهایی را که بر تجربه بشر و سیر تحول تمام جوامع، تأثیر گذاشته است به عنوان یک واحد و کل تلقی کرد.

سکده‌ها از منظر فراوانی، ثبت شعارهای اصلی حاکم بر جامعه، اوضاع اقتصادی، رفاه اجتماعی، موقعیت سیاسی، گرایش‌های مذهبی، زیباشناسی و هنر هستند که یک واحد اهمیت در فرآیندهای تاریخی محسوب می‌شوند و مقدمه بازخوانی درست تاریخ‌اند.

مهدی صادق‌زاده



پیشگفتار

بیش از سی سال قبل با تنی چند از سکه‌شناسان، صاحب‌نظران و مجموعه‌داران ایرانی آشنا شدم. از همان زمان، جمع‌آوری سکه و اسکناس‌های معاصر را به کناری نهادم و سخت مشغول مطالعه و بررسی سکه‌های کهن ایرانی شدم. به خیابان انقلاب اسلامی می‌رفتم و از تک‌تک کتاب‌فروشان مخصوصاً کسانی که کتاب‌ها و نشریات دست‌دوم و قدیمی تاریخ می‌فروختند جویای مآخذی مصور از سکه‌شناسی یا منابع کهن تاریخ ایران می‌شدم. پس از مدتی دوره‌های فترت و تاریک، ذهن مرا به خود مطوف کرد زیرا علاوه بر جذابیت و هیجان خاصی که در یک نوجوان ایجاد می‌کرد، متوجه گفته‌های متناقض و عدم توافق سکه‌پژوهان شده بودم. از سال ۱۳۶۹ مطالعه و بررسی «سکه‌های دیلمیان» (بجز بویه‌یان) را شروع کردم؛ البته این امر با حضور من در کلاس درس دکتر اللهیار خلعتیری شدت گرفت. پس از آنکه وارد مقطع کارشناسی ارشد شدم، در همان ترم اول پیش‌طرحی مربوط به دوران خلافت معتمد عباسی برای پایان‌نامه تحصیلی به استاد بزرگوارم دکتر خلعتیری ارائه دادم اما ایشان به بنده امر کردند که موضوع پایان‌نامه تنها مربوط به تاریخچه ضرب سکه باشد. هرچند یقین داشتم که این کار بر من سنگین خواهد آمد اما از آنجا که استاد فقیدم دکتر عبدالحسین نوایی راهنمایی کامل و مشاوره را در این پژوهش تقبل کردند تا حدی امیدوار شدم و آغاز به کار کردم. از آنجا که چگونگی ارائه مطالب تحقیقی پیرامون سکه‌شناسی، در دانشگاه‌های موجود دارای چارچوب تعریف‌شده‌ای نیست از یکی از سکه‌شناسان پیشکسوت ایرانی، شادروان سید جمال ترابی طباطبایی (پدر سکه‌شناسی ایران) یاری جست. ایشان با کمال سخاوت تعداد قابل‌توجهی از شناسنامه سکه‌های خود را در اختیارم گذاشتند که پایه‌ای شد برای ادامه کار و جستجو برای تکمیل و رفع نواقص موجود.

برخی گمان می‌کنند که تنها در عهد باستان موضوع‌های مبهم وجود دارد، اما باید دانست که در دوران اسلامی نیز ما شاهد مقاطع کوتاهی هستیم که باید بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد. در این میان قرون اول تا چهارم هجری مانند اقیانوسی است که فقط چند نقطه از آن شناسایی شده است. از سده‌های سوم و چهارم هجری تنها نام چندین خلیفه دست‌نشانده عباسی و چند سلسله بزرگ به‌جا مانده است و اغلب نویسندگان معاصر تنها به همان اکتفا کرده‌اند. در حالی که می‌توان از ده‌ها دودمان محلی در طی دو قرن مذکور نام برد. اگرچه هر یک از امیران این سلسله‌ها برای مدت کوتاهی بر یک شهر یا ولایت حکم می‌راندند، اما کثرت سکه‌های به‌جا مانده از آنان به ما این امکان را می‌دهد تا دست‌کم کرونولوژی و نسب‌نامه‌ای از آنها تنظیم کنیم. چیزی که در دیگر منابع موجود به راحتی یافت نمی‌شود. دودمان‌ها یا امیران و سردارانی اعم از: ترک، عرب، بلوچ، سگزی، خراسانی، کُرد، دیلمی، گیلانی و ... در سرزمین‌های حوزه خلافت بنی‌عباس توانستند با تسخیر منطقه‌ای هرچند کوچک به نشانه استقلال به نام خود سکه

ضرب کنند؛ این سکه‌ها مدرکی است که مانند منابع دیگر باید مطالعه و بررسی شود.

از آن میان در فاصله سال‌های ۳۸۷-۲۰۷ ه.ق افراد بی‌شماری با استقلال کامل یا به‌طور نیمه‌مستقل به صورت‌های استکفا، استیلا یا غلبه در قلمرو خود سکه ضرب کردند. تحقیقاً می‌توانیم ادعا کنیم سکه‌های به‌جا مانده از آنان بدون واسطه و بی‌هیچ غل و غشی واقعیات را روشن می‌کند. زیرا بر یک سوی سکه‌ها شعائر دینی به همراه نام خلیفه وقت عباسی و در سوی دیگر نام فرمانروا نقش بسته است. همه این‌ها در حالی است که محل ضرب سکه و تاریخ ضرب آن بر اساس تقویم هجری قمری در حاشیه سکه به چشم می‌خورد. در این کتاب برای معرفی پشت و روی سکه‌ها مینا را بر الگوی سکه‌های ساسانی نهاده‌ایم؛ سمتی که محل ضرب را نشان می‌دهد در واقع پشت سکه است. گاه نام چند امیر بر سکه‌ای ضرب شده که یکی امیر محلی بوده و دیگری سلطانی که اشراف بر امیران محلی تحت نفوذ خود داشته است. چه بسا نام خلیفه از خطبه و سکه افتاده باشد یا موارد دیگری که در جای خود بدان‌ها خواهیم پرداخت. این پژوهش به دو مطلب مهم توجه دارد.

نخست بازخوانی سکه‌هایی که سکه‌شناسان اشتباه خوانده‌اند و همچنین سکه‌هایی که تاکنون ثبت نشده است؛ و دیگر چگونگی ارتباط امیران محلی با سلسله‌های پادشاهی فرادست.

به عنوان مثال بانیجوریان فقط نام خود را بر سکه می‌آوردند اما بعد از قدرت‌گیری امیراسماعیل سامانی همواره نام امیر سامانی را بر سکه‌ها ضرب می‌کردند تا عاقبت از صحنه سیاسی اندرآبه و پنجه‌پیر حذف شدند؛ نیز سالاریان که در اواخر حیات سیاسی خود نام رکن‌الدوله بویه را بر سکه‌های خود ضرب می‌کردند یا جستانیان که نام پادشاه آل‌بویه را بر سکه‌هایشان نمی‌آوردند به همان گونه یادشده عمل می‌کردند.

- سرفصل‌های کتاب به نام پادشاهان دودمان‌های بزرگ نامگذاری شده است و در هر قسمت به سکه‌های امیران محلی و شورشیان در محدوده سلسله حاکم نیز اشاره شده است تا اهمیت مطالعه و بررسی سکه‌های دودمان‌های کوچک یا فرودست و امیران گمنام نشان داده شود.

- تحقیق را با دو روش به انجام رسانده‌ایم؛ شیوه تحقیق میدانی و شیوه تحقیق کتابخانه‌ای. در تحقیق میدانی، تصاویر سکه‌های محلی را از موزه‌ها، مجموعه‌های شخصی و کتب و نشریات استخراج و با مطالعه دقیق، شناسنامه‌ای برای هر سکه تنظیم کرده‌ایم؛ سپس به مطالعه منابع اصلی به‌ویژه وقایع‌نامه‌ها، تواریخ عمومی و محلی پرداخته‌ایم. نکات مهم در این پژوهش تاریخی توجه به شعائر انقلابیون و سرداران یاغی است که در بعضی متون تاریخی از آن غفلت شده است. نام و شعار این مدعیان می‌تواند برای دانش‌پژوهان مفید و سودمند واقع شود. در مورد شیوه تحقیق کتابخانه‌ای و کتب مورد استفاده این کتاب مفصل در قسمت ارزیابی منابع و مآخذ سخن رفته است.

اما دستاورد و محصول این پژوهش معرفی منابع اصیل و مهمی است که قبلاً پژوهشگران تاریخ به‌ویژه در ایران به آنها مراجعه نکرده‌اند. به عبارت دیگر به بازخوانی یک سری اسناد دولتی و محلی از قرون سوم و چهارم هجری قمری پرداخته شده است. در این‌جا تذکر این نکته لازم و ضروری است که این بررسی گاه از محدوده زمانی مورد بحث و چارچوب اصلی خارج گردیده است. برخی سکه‌های خاص قرون دوم و پنجم هجری را نیز معرفی کرده که به دلیل ورود به بحث مربوط به قرن سوم هجری و تکمیل موارد ضروری بعد از قرن چهارم است.

در هر یک از بخش‌های مذکور بنابر پیشنهاد استادم دکتر اللهیار خلعتبری به معرفی و شناسایی سکه‌های یک سلسله و دودمان‌های فرودست همان سلسله پرداخته شده است. درباره سرداران یاغی نیز براساس نظر مرحوم دکتر عبدالحسین نوایی، سکه‌های آنان را در حوزه قلمرو دودمان وابسته به آن یا مغلوب قرار گرفته است.

برای ترتیب فصول اصلی اولویت ما حتی‌الامکان براساس زمان تأسیس هر سلسله قرار گرفته است. لذا دودمانی که اندکی بعد حیات سیاسی خود را آغاز کرده‌اند، بخش بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. اما در ترتیب تقدّم و تأخر سرفصل‌ها مشکلاتی وجود داشت. هر چند اولین سال ضرب سکه به وسیله یک دودمان ملاک بود اما از آنجا که نکات دیگری از جمله دست به دست شدن یک منطقه نیز حایز اهمیت است، حوزه قلمرو و جغرافیا را نیز میزان قرار داده شده است؛ مثلاً سامانیان از سال‌های آغازین قرن سوم هجری نخست به امر مأمون عباسی و سپس طاهریان سکه زدند و چنانچه قدرت‌گیری امیراسماعیل نیز در نظر گرفته شود نیمه دوم قرن سوم هجری مبدأ آن تعیین می‌شد. ولی چون خاتمه کتاب به ورود ترکان در خراسان و در نهایت به دیگر نقاط ایران اختصاص یافته است لذا سامانیان در بخش‌های پایانی قرار گرفته تا با قدرت‌گیری غزنویان پیوستگی یابد.

در مورد سلسله‌های هاشمیان، ساجیان، سالاریان و روادیان چون حوزه قلمرو آنان آذربایجان، اران، شروان و ارمنستان بوده است پیوسته در یک بخش قرار گرفته است. در هر حال از آنجا که بحث درباره سلسله‌ها و حکومت‌های مقارن بوده است و این دودمان‌ها و اشخاص حتی در یک مقطع زمانی با یکدیگر تداخل فرمانروایی داشتند؛ به هر نحو و صورت فصل‌بندی‌ها و بخش‌ها به طور کاملاً دقیق، تنظیم نمی‌گردید. محدوده مکانی این تحقیق شامل کل فلات ایران است هر چند که با علم به رهنمودها و تذکرات به جای استاد فقید جناب دکتر نوایی این کار بازده پژوهش ما را به مراتب کمتر می‌کرد ولی از سوی دیگر به خاطر اهمیت و ارتباط اغلب دودمان‌ها و امیران بومی با یکدیگر، به این گونه مطالعه گردیده است. دلیل اصلی این انتخاب (فلات ایران) قبول سیادت خانواده‌های کوچک‌تر از دودمان بزرگ‌تر از خود بود که همه زنجیروار در عین گسستگی و تفرقه به هم پیوسته و مربوطند. در هر حال ان‌شاءالله این پژوهش اهمیت سکه‌نیشته‌ها را روشن کرده و به دانشجویان دست‌کم این پیام را خواهد داد که «استاد دیگری هم در کنار شما هستند...».

ما اغلب شاهد این ضعف هستیم که اهل تاریخ به تمام منابع موجود مراجعه نمی‌کنند و یا سکه‌شناسان خود را بی‌نیاز از مراجعه به منابع کتابخانه‌ای می‌دانند؛ همه این‌ها باعث نتیجه‌گیری‌های غلط شده تا جایی که هر سکه‌پژوهی گمان می‌برد مساله‌ای تازه و پیچیده را کشف کرده است. در مقابل، اهل تاریخ نیز در همان فضای سنتی تاریخ‌نگاری چندین دهه قبل باقی مانده‌اند و حداکثر پیشرفت ایشان آن است که تحلیل‌های قوی‌تری از علل و نتایج رویدادهای تاریخی ارایه می‌دهند. در هر حال چون به سکه‌نوشته‌ها مراجعه نمی‌کنند بخش‌های مهمی از استاد تاریخی ایران را به کناری گذاشته‌اند.

در اینجا بر خود فرض می‌دانم از تمام صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران عزیزی که نگارنده را در این پژوهش یاری دادند صمیمانه سپاسگزاری کنم. با درود به روان پاک دکتر عبدالحسین نوایی، استاد سیدجمال ترابی طباطبایی، استاد سیدمهدی ودود سیدی، استاد ابوجاسم محمد مهربانی و استاد یحیی ذکا که همواره در ارائه اطلاعات علمی و پژوهشی راهنما و مشوق نگارنده بودند. از مسئولین محترم تماشاگاه پول، موزه ملی ملک و موزه مرکزی آستان قدس رضوی و آقایان محمدتقی صفار، حمیدرضا ظهوریان، بهرام علاءالدینی، کریم‌تاله نیر، مرتضی قاسم‌پنگلو و جواد ابراهیمی ارمی بابت ارائه عکس‌ها از موزه یا مجموعه خصوصی خود؛ آقای کیوان محمودی خوانساری جهت چپ‌نیش تصاویر؛ سرکار خانم فرحناز قدسی اردکانی جهت ویرایش اولیه کتاب سپاسگزارم. از برادر عزیزم سیدمحمدعلی موسوی سکه‌پژوه که ویراستاری فنی، تهیه عکس، آماده‌سازی و چاپ کتاب بر عهده ایشان بود و ما را یاری رساندند سپاسگزارم. از آقای دکتر هادی دهقانی یزدلی که ویراستاری ادبی و زبانی این کتاب را عهده‌دار بودند؛ نیز برادر هنرمندم آقای محمد نجفی‌زاده بابت صفحه‌آرایی و طراحی جلد آن سپاسگزاری می‌کنم.

نویسنده برای هرچه پربارتر شدن مطالب کتاب در ویرایش‌های بعدی مشتاق دریافت نظرها و نقدهای تمام صاحب‌نظران است. برای مستندسازی هرچه بیشتر این نوشتار از مجموعه‌داران تقاضا دارد که تصویر سکه‌های مجموعه‌های خود را در اختیار نگارنده قرار دهند. برای ارتباط با نگارنده با پست الکترونیکی saeedsoly1346@gmail.com مکاتبه فرمایید.

و من الله التوفیق علیه التکلان
سعید سلیمانی

ارزیابی منابع و مآخذ

هرچند منابع محلی بیشتر حاوی مطالبی دربارهٔ امیران محلی است ولی با وجود این تواریخ عمومی چون: تاریخ الرسل والملوک محمد بن جریر طبری - تجارب الامم مسکویه رازی - العبر ابن خلدون رویدادهای تاریخ را به گونه‌ای مفصل تر و شیواتر بیان کرده‌اند. در تواریخ محلی گاه تاریخ و سنوات به طور دقیق ذکر نشده است؛ این منابع تنها حاوی اطلاعات جزئی تر و کثرت اسامی‌اند؛ اما تواریخ عمومی مثل طبری و ابن اثیر رخدادها را سال به سال و با دقت نظر بسیار ذکر کرده‌اند؛ از این رو این پژوهش نخست تواریخ عمومی را که بیشتر استفاده کرده است، مورد نقد و بررسی قرار داده و سپس به تواریخ سلسله‌ای و محلی و... می‌پردازد. در پایان نیز برخی از بهترین تحقیقات ایران‌شناسان را دربارهٔ دودمان‌های محلی در قرون سوم و چهارم هجری مورد ارزیابی قرار می‌دهد. با تمام اینها یک نکته را نباید فراموش کرد و آن جنبهٔ سندیّت و منبع بودن سکه‌هاست. در واقع باید یادآور شد که خود سکه‌ها (به شرط اصالت) اولین و از معتبرترین منابع هستند، لذا پژوهش حاضر نخست یک تحقیق میدانی برای خواندن و مطالعهٔ سکه‌های مورد نظر است و در مراحل بعدی معرفی و بررسی آنهاست.

تاریخ الرسل والملوک

نوشتهٔ محمد بن جریر طبری (متوفی به سال ۳۱۰ هجری قمری)

طبری رویدادهای جهان را تا سال ۳۰۲ ه.ق نقل می‌کند. پس از او عریب بن سعد قرطبی ذیلی تا ۳۲۰ ه.ق را افزوده است. این کتاب با قلم ابوالقاسم پاینده به فارسی برگردانده شد و به همت بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۴ هجری شمسی در ۱۶ مجلد به چاپ رسید. سپس انتشارات اساطیر چند بار دیگر همان طرح را تجدید چاپ کرد.

تاریخ الرسل والملوک که اصطلاحاً به آن تاریخ طبری می‌گویند از نوع تواریخ عمومی است و مشهورترین آنها به‌شمار می‌رود. سبک تاریخ‌نویسی طبری نقل روایات متعدد است. این روش به دلیل شرایط و محیط فکری زمان نویسنده است و به این وسیله تلاش کرده است تا به دلخواه خود قضاوت ننماید و به یک نقل قول واحد بسنده نکند. هرچند گاهی به دلیل تعصبات مذهبی از روش اصلی خود خارج شده است (نمونهٔ آن در وقایع سال دویست و سوم در رابطه با حضرت علی بن موسی الرضا(ع) دیده می‌شود).

تاریخ طبری به علت نقل روایات متعدد و وسواس نویسنده پر حجم است ولی در سال‌های نزدیک به ۳۰۲ ه.ق به دلیل کهولت سن محمد بن جریر طبری رخدادها بسیار خلاصه و اندک نقل شده است. این تحقیق از مجلدات ترجمه شدهٔ ۱۶-۱۲ بهره برده است.

تجارب الامم و تعاقب الهمم

ابوعلی احمد بن یعقوب بن مشکویه، در نیمه نخست سده‌ی چهارم هجری در ری زاده شد. از میان اشخاصی که با این مورخ ایرانی تماس نزدیک داشتند می‌توان از دانشمندان ذیل نام بُرد:

۱. ابومحمد مهلبی، وزیر دانشمند احمد معزالدوله بویه.

۲. ابن عمید، وزیر حسن رکن الدوله بویه.

۳. ذوالکفایتین فرزند و جانشین ابن عمید.

۴. دانشمندانی همچون ابو علی سینا، ابوریحان بیرونی، ابوسهل مسیحی، ابونصر عراقی و ابوالخیر خمار.

مسکویه رازی سرانجام در سال ۴۲۱ ه.ق پیمانه عمرش به آخر رسید و به دیدار حق شتافت. از میان تألیفات این مورخ و فیلسوف فقید، کتاب تاریخی تجارب الامم مورد نظر این پژوهش است. این کتاب، یکی از برجسته‌ترین منابع تاریخی ایران است که در آن علاوه بر نقل رویدادها به عوامل روحی و دیگر علل نیز توجه شده و نظر خواننده را به نتیجه‌گیری منطقی از حوادث جلب کرده است.

کتاب مذکور به ویژه برای مطالعه تاریخ ایران در قرن چهارم هجری و دیپلمانی دارای اهمیت بسیاری است؛ چرا که مؤلف در دربار آل بویه بوده است، به گونه‌ای که با دقت آمارها، میزان درآمدهای اقتصادی و چگونگی توزیع و مصرف ثروت را توضیح می‌دهد.

در بخش‌های متأخر تجارب الامم از آنجا که نزدیک به زمان حیات نویسنده است، اسامی متعددی از امیران محتاجی، سالاری و غیره به چشم می‌خورد که برخی از آنها در تاریخ طبری موجود نیست.

عده‌ای مسکویه را پایبند به آیین زرتشتی و برخی دیگر او را مسلمان و شیعه مذهب دانسته‌اند. از آنجا که وی به مسلمان بودن خود اقرار داشته و کتابی چون الطهارة را نوشته است؛ شکی باقی نمی‌ماند که او زرتشتی نبوده، اما واضح است که به تاریخ و فرهنگ ایران باستان توجه خاصی دارد به گونه‌ای که آغاز خلقت را با اساطیر سامی نمی‌آورد بلکه با اساطیر آفرینش ایرانی و سلسله پیشدادیان شروع کرده است.

عصری که مسکویه در آن دست به تاریخ‌نگاری زد، شکوفاترین عصر تفکر فلسفی اسلامی و اوج خردگرایی اندیشه اسلامی بود. دوره‌ای که به حق به آن «دوره انسان‌گرایی و رنسانس اسلامی» نام نهاده‌اند. بالطبع ساختار فکری جامعه آن روز، در دیدگاه‌های این اندیشمند مسلمان تأثیر داشت به گونه‌ای که خود او از فعالان اصلی اندیشه رنسانس اسلامی شد (کتاب جاویدان خرد او گواهی بر این مدعاست)؛ لذا در کتاب تجارب الامم علاوه بر نقل نکات ریز تاریخی، شاهد سبک نوینی از تاریخ‌نویسی هستیم. وی انگیزه‌های اصلی را در یک جریان سیاسی و حتی اهداف و بالآخره نتایج آن را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. به همین علت باید مسکویه رازی را مبتکر و پیشگام تاریخ‌نگاری از دیدگاه فلسفه اقتصادی - سیاسی در سیر اندیشه اسلامی بدانیم که راه را برای تکامل اندیشمند دیگری چون ابن خلدون هموار کرد.

الکامل فی التاریخ

این کتاب در اوایل سده هفتم هجری به وسیله «عزالدین بن اثیر جزری» (جزری منسوب به جزیره یعنی بین دو رود دجله و فرات که اعراب جزیره گویند) به رشته تحریر درآمد.

او تحصیلات خود را در شهرهای موصل و بغداد تکمیل کرد و به ویژه در علوم تاریخ، لغت و انساب تبحر یافت. وی در اواخر عمر در موصل گوشه‌نشینی اختیار کرد و کتاب سترگ الکامل فی التاریخ را نوشت که یکی از مهم‌ترین

تواریخ عمومی است.

قسمت‌های نخستین الکامل، اقتباس از تاریخ الرسل و الملوك طبری است اما چون قرون چهارم، پنجم و ششم را نیز شامل می‌شود بیش از تاریخ طبری به کار می‌آید. چون ابن اثیر تلاش کرده است تنها یک روایت را در مورد قرن سوم ذکر کند بنابراین استفاده از آن سهل‌تر شده است.

در ضمن، رخدادهای قرن چهارم که در تاریخ طبری موجود نیست به‌طور کامل در کتاب ابن اثیر آمده است. این مطالعه در پژوهش خود از ترجمه فارسی جلد‌های دهم تا شانزدهم الکامل فی التاریخ که به‌وسیله عباس خلیلی و... صورت گرفته و به همت انتشارات علمی به چاپ رسیده استفاده کرده است. از آنجا که ابن اثیر به علل رخدادها کمتر توجه کرده و بیشتر به شرح حال و ذکر اسامی افراد پرداخته است، در این کتاب اطلاعات و اسامی بیشتری از آن استخراج شده است.

تاریخ سنی ملوک الارض والانبیاء

نوشته حمزه اصفهانی (متوفی به سال ۳۶۰ هجری قمری)

هرچند بخش عمده این کتاب بیشتر برای مطالعه تاریخ سلسله ساسانیان مفید است؛ ولی در اواخر کتاب، نویسنده دو بخش تحت عنوان ذکر امرای خراسان و دیگری با عنوان ذکر امرای طبرستان گنجانده است که بسیار حائز اهمیت و برای این تحقیق مفید بود. به‌ویژه قسمت امرای خراسان؛ چرا که در بخش امرای طبرستان مطالب خیلی خلاصه و اسامی در آن کمتر به چشم می‌خورد.

این کتاب نخستین بار به دست توانای دکتر جعفر شعار به سال ۱۳۴۶ هجری شمسی به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۶۷ به چاپ دوم رسید. صفحات ۲۱۶-۲۰۴ چاپ اخیر مطالبی در باب والیان خراسان دارد که آنچه به قرن سوم هجری مربوط است دقیق‌تر به نظر می‌آید. شاید نویسنده اخبار مربوط به زمان خود یعنی قرن چهارم هجری را که خراسان وضعی بس نابسامان داشته، عمداً مختصر کرده است.

زین الاخبار

تألیف ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود گردیزی به سال ۴۴۱ هجری قمری که در دربار بازماندگان غزنویان می‌زیسته است. تنها بخش مهم این کتاب که بسیار دقیق و حائز اهمیت است بخش والیان خراسان، سامانیان و غزنویان است؛ مخصوصاً در آن اخبار قرن چهارم هجری خراسان مهم‌تر است؛ چرا که مؤلف خود اهل خراسان بزرگ و قرن چهارم به دوره او نزدیک بوده و دیگر حساسیت سیاسی نداشته است، تا مطالب به عمد از او قلم بیاقتد. تاریخ گردیزی به‌وسیله عبدالحی حبیبی تصحیح شده و چندبار در تهران به چاپ رسیده است. در چاپ اخیر که به همت دنیای کتاب نشر یافته است، در صفحات ۳۷۸-۲۷۳ مطالب مهمی به چشم می‌خورد؛ از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد که در تحقیقات محلی به کار می‌آید. سیمجوریان، شاهزادگان یاغی سامانی، آل افراسیاب، حاجبان ترک خودسر، آل محتاج، چغانیان، امیران محلی بست، آل فریغون، کامکاریان، بانیجوریان و غزنویان.

تاریخ سیستان

به‌طور کلی در میان تواریخ محلی شناخته شده، تاریخ سیستان و تاریخ طبرستان جایگاه خاصی دارد. از آن میان منطقه سیستان در تاریخ اساطیری ایران مقام مهمی دارد؛ چرا که محل رشد و نمو پهلوانان ایرانی و کسانی بوده

است که در مقابل تورانیان و بعدها ترکان ایستادگی می‌کردند. سیستان در قرون نخستین اسلامی نیز به خاطر مأمّن خوارج و خاستگاه خاندان صفاری دیگر بار شهرت خود را بازیافت. بازماندگان یعقوب لیث توانستند تا نیمه اول سده دوازدهم هجری در این منطقه به حالت نیمه‌مستقل به فرمانروایی محلی و موروئی خود ادامه دهند. متأسفانه مؤلف تاریخ سیستان به روشنی مشخص نیست ولی مرحوم محمد تقی بهار نام دو تن را در لابه‌لای کتاب یافته است؛ یکی شمس‌الدین محمد که در زمان طغرل یک سلجوقی می‌زیسته و دیگری محمود بن یوسف اصفهانی که گویا دنباله کتاب را تا سال ۷۲۵ ه.ق ادامه داده است. این کتاب ارزشمند در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی به دست توانای ملک‌الشعرای بهار تصحیح شد و به چاپ رسید. این تحقیق صفحه‌های ۳۴۱-۱۷۰ این کتاب را یعنی فاصله سال‌های ۳۷۳-۱۹۳ ه.ق مورد مطالعه قرار داده است. از آن میان مطالب قرن سوم هجری بسیار غنی تر می‌نمود هر چند که در ذکر سال‌ها و سنوات نقص‌هایی به چشم می‌خورد. با آنکه مؤلف رخدادها را تا بعد از سقوط سامانیان نوشته، ولی مطالب مربوط به خراسان و دودمان سامانی نسبتاً ضعیف است. درباره‌ی والیان محلی مطالب موجود در آن در کتاب‌های دیگر نیست. خلاصه آنکه تاریخ سیستان برای سلسله صفاریان و والیان ارسالی از سوی خلیفه از نیمه قرن دوم تا اوایل قرن چهارم هجری بهترین منبع به‌شمار می‌رود. به‌طوری که کلیفورد باسورث اساس کتاب خود تحت عنوان تاریخ سیستان را بر همین منبع کهن نهاده است.

تاریخ طبرستان

تألیف بهاء‌الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب که در سال ۶۱۳ هجری قمری به پایان رسیده است. این کتاب به‌وسیله شادروان عباس اقبال آشتیانی تصحیح شد و به همت کتابخانه کلاله خاور در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی به چاپ رسید. چاپ دوم این کتاب حدود نیم قرن بعد یعنی در آبان ماه سال ۱۳۶۶ منتشر شد. درباره‌ی محاسن و جذابیت این کتاب سخن بسیار است؛ هر چند که مؤلف گاه با نقل حکایتی خواننده را از موضوع اصلی دور می‌کند، ولی این شیوه، از اهمیت تاریخ ابن اسفندیار نمی‌کاهد. اگر بخواهیم نام امیران محلی موجود در این کتاب را استخراج کنیم مجال طولانی می‌خواهد و این خود از نکات برجسته این کتاب و لازمه هر تاریخ محلی است. اثر ابن اسفندیار بعدها مرجعی برای تاریخ رویان اولیا الله آملی و تاریخ طبرستان و رویان ظهیرالدین مرعشی شد و در دوره قاجار کتاب التدوین فی احوال جبال شروین محمد حسن خان اعتمادالسلطنه را پدید آورد. اما به حق باید گفت هیچ یک از آنان به اندازه احمد کسروی از این تاریخ محلی پربها بهره کافی نبردند بلکه تنها به رونویسی از آن اکتفا کردند.

محمد بن اسفندیار کاتب از وابستگان دربار حسام‌الدوله اردشیر بن حسن باوندی بود. از این رو توانسته است دست‌کم اخبار باوندیان را به خوبی استخراج کند. ابن اسفندیار در سال ۶۰۶ ه.ق به بغداد می‌رود و در راه بازگشت در شهری خبر کشته‌شدن مخدوم خود را شنیده، به آمل می‌رود. وی اندکی بعد به خوارزم رفت و با استفاده از کتاب عقد السحر نوشته یزدادی به تألیف تاریخ طبرستان همت گماشت.

به تصریح احمد کسروی و عباس اقبال تمام نسخه‌های خطی تاریخ ابن اسفندیار از دستبرد و تصحیف نسخه‌برداران در امان نمانده است. کسروی عقیده دارد تمام نسخه‌های موجود از یک نسخه مشترک استنساخ شده و عباس اقبال نیز آن نسخه را «الف» نامیده و احتمالاً مبنای اصلی کار خود قرار داده است.

هر چند مؤلف، تاریخ طبرستان را اندکی پس از سال ۶۱۳ ه.ق نوشت، اما وقایع همچنان به‌گونه پیوسته تا حدود سال ۷۶۰ ه.ق روایت شده است.

در اینجا نیز کسروی و اقبال - هر دو - عقیده دارند مولانا اولیا الله آملی مؤلف تاریخ رویان، آن ذیل را بر این

اسفندیار افزوده است. در هر حال این منبع محلی دارای نکات بی‌همتایی در تاریخ سواحل دریای مازندران بوده، در عین حال بهره جستن از آن بدون اشراف بر تاریخ امیران آن خطه کاری بس دشوار است. محققاً باید یادآوری کرد که علت اشتباه‌های کاتبان و نسخه‌برداران نیز همین امر یعنی آگاهی نداشتن آنان از اسامی و رخداد‌های آن منطقه است و این خود برهانی است بر یگانه بودن مطالب تاریخ ابن اسفندیار.

طبقات سلاطین اسلام

تحقیق ارزشمند استانی‌لین‌پول از شرق‌شناسان انگلیسی (در قرن نوزدهم میلادی)

لین‌پول نخستین دانشمند غربی است که کتابی درباره نسب پادشاهان مسلمان نوشت. وی در سال ۱۸۷۷ میلادی، مأمور نگهداری سکه‌های شرقی موزه بریتانیا شد.

کتاب او درباره فهرست مسکوکات اسلامی آن موزه در سیزده مجلد به سال ۱۸۹۳ میلادی به چاپ رسید که تا امروز مرجع دست اول سکه‌شناسان و نسب‌نامه‌نویسان به‌شمار می‌رود.

این شرق‌شناس انگلیسی حدود بیست سال برای فهرست‌نویسی سکه‌ها تلاش کرد. خلاصه‌ای از این کتاب که شامل نسب‌نامه‌ها بدون تصویر سکه‌هاست در یک مجلد به همت مرحوم عباس اقبال در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی به فارسی ترجمه شده است.

صفحات ۱۳۰-۱۱۰ چاپ اخیر (۱۳۶۳ ه.ش) مربوط به دوران مورد نظر ماست که تنها شامل این دودمان‌ها می‌باشد: بنی‌دلف، ساجیان، علویان طبرستان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، زیاریان، بنی‌حسنویه، دیالمه کاکویه، دیالمه بویه و آل‌افراسیاب. بارتولد شرق‌شناس روس کتاب لین‌پول را به سال ۱۸۹۹ میلادی تحت عنوان سلسله‌های مسلمان به روسی برگرداند.

- خلیل ادهم بن ابراهیم پاشا از تاریخ‌نگاران ترکیه و بنیانگذار موزه آثار قدیم شرقی و طوب قاپوسرای محسوب می‌شود. وی در سال ۱۸۸۵ میلادی ریاست موزه طوب قاپوسرای را به عهده گرفت. این نسب‌شناس ترک کار لین‌پول را ادامه داد لذا کتاب طبقات سلاطین اسلام را اساس تحقیقات خود قرار داد. همچنین او از تحقیقات بارتولد نیز بهره جست. علاوه بر اینها خلیل ادهم کتب خطی، وقف‌نامه‌ها، کتیبه‌ها و فهرست سکه‌ها استفاده کرد تا به نتیجه مطلوب برسد. سرانجام او کتابش را با داشتن شصت و سه سلسله بیش از کتاب لین‌پول در سال ۱۹۲۷ میلادی در استانبول به چاپ رساند.

- ادوارد زاخائو (۱۸۴۵-۱۹۳۰) از خاورشناسان شهر آلمان برای تکمیل کتاب لین‌پول در سال ۱۹۲۳ میلادی رساله‌ای به نام فهرستی از سلسله‌های اسلامی نوشت. وی در کتاب خود برخی دودمان‌های کوچکی را که لین‌پول به آنها نپرداخته بود گنجانده. منبع وی در این کار صحایف الاخبار منجم‌باشی بود (مانند مینورسکی).

- رزق‌الله منفربوس الصدفی از تاریخ‌نگاران مسیحی مصر بود. وی کتاب مفصلی تحت عنوان تاریخ دول اسلام در سه مجلد به سال ۱۹۰۸ میلادی منتشر کرد. بخش‌های پایانی از جلد اول کتاب منفربوس شامل برخی دودمان‌های ایران در قرون سوم و چهارم هجری است. هرچند او از منابع متعددی بهره جست ولی متأسفانه هیچگونه ارجاعی برای خواننده باقی نگذاشته است.

- دکتر احمد سعید سلیمان درباره سلسله‌های اسلامی کتابی به نام تاریخ الدول الاسلامیه و معجم الاسرارالحاکمه به زبان عربی به طبع رسانده (به سال ۱۹۶۹ میلادی در مصر) که ترجمه‌ای است از کتاب دول اسلامیه خلیل ادهم. تنها نوآوری احمد سعید ترجمه شیوا و دقیق کتاب خلیل ادهم به عربی و افزودن ۲۷ سلسله تازه تأسیس در جهان

اسلام به آن است. در سال ۱۹۷۳ نیز دو تن از اندیشمندان دمشق دیگر بار پژوهش خلیل ادهم را از ترکی به عربی بازگردانی کردند. کاری که پیشتر احمد سعید سلیمان همان را انجام داده بود.

تاریخ دولت اسلامی و خاندان‌های حکومتگر (جلد اول)

نویسندگان: استانی لین پول، بارتولد، خلیل ابراهیم و احمد سعید سلیمان

ترجمه دکتر صادق سجادی که به همت نشر تاریخ ایران به سال ۱۳۶۳ هجری شمسی منتشر شد. فصل هفتم این کتاب شامل دودمانهای ذیل است:

بنی دلف، ساجیان، علویان طبرستان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، ایلک خانیان (آل افراسیاب)، زیاریان، آل حسنویه، بویهیان و بنی کاکویه.

متأسفانه کتاب مذکور مقدمه‌ای از ناشر، مؤلفان و یا مترجم ندارد. به نظر می‌رسد مترجم محترم مطالب را از نویسندگان مذکور در صفحه عنوان، اقتباس و ترجمه کرده است. در این صورت این کتاب نوعی «گردآوری» محسوب می‌شود. دلیل دیگر این مدعا این است که بخش مورد نظر عیناً از ترجمه شادروان عباس اقبال بر کتاب طبقات سلاطین اسلام تألیف استانی لین پول برگرفته شده است و جا داشت مترجم پیشتر به آن اشاره می‌کرد. باری در این پژوهش آن‌چنان‌که لازم بوده به اصل کتاب یعنی ترجمه کتاب لین پول مراجعه شده است.

نسب‌نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام

ادوارد فن زامباور (Edward Zambaur) از رجال سیاسی اتریش که وزیر مختار کشورش در دربار ترکان عثمانی بود، به مدت پنج سال در فاصله سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۳ میلادی در ولایت عثمانی زندگی کرد.

شخصیت و اقدامات زامباور اتریشی در عثمانی همانند ه.ل. رابینو دی بورگوماله انگلیسی در ایران است (H.L. Rabino Di Borgomale). زامباور در طی سال‌هایی که در کشور مسلمان عثمانی می‌زیست به مطالعه، بررسی و جمع‌آوری سکه‌های کهن شرقی و تهیه فهرستی از آن‌ها پرداخت. وی با بسیاری از رجال سیاسی و شاهزادگان مسلمان به ویژه مصری که به جمع‌آوری سکه‌های اسلامی می‌پرداختند مراوده داشت و از سکه‌های آنان نیز یادداشت‌برداری کرد. شاید بتوان گفت پس از گذشت حدود یک قرن تاکنون کسی به اندازه زامباور با سکه‌های جهان اسلام آشنا نیست؛ چرا که او علاوه بر تبحر بر خواندن سکه‌ها و کثرت سکه‌هایی که در اختیارش بود، به تاریخ اسلام و زبان عربی نیز تسلط کافی داشت. این مستشرق اتریشی، زبان فارسی و گویش ترکی را نیز به خوبی فراگرفت. وی پس از در اختیار داشتن فهرستی غنی از مسکوکات به تألیف کتاب عظیم و جامعی در رابطه با نسب‌نامه پادشاهان مسلمان شروع کرد و اساس ارجاعات خود را بر الکامل فی التاریخ ابن اثیر گذاشت. زامباور کتاب خود را به زبان فرانسه در سال ۱۹۲۷ و ترجمه الکامل را به سال ۱۹۴۹ میلادی به اتمام رساند که در همان سال بدردود حیات گفت.

این دانشمند علم انساب و سکه‌شناس در تألیف عالمانه خود (تقریباً هم‌زمان با تألیف شهریاران گنگام - احمد کسروی) تنها درباره خلفا و پادشاهان مسلمان بحث نمی‌کند؛ بلکه نام وزیران، سرداران، فرمانروایان، والیان و حتی افراد انقلابی و یاغی در هر سلسله و در هر منطقه را نیز آورده و نسب‌نامه‌ای برای آنان نوشته است؛ محدوده زمانی کار او از صدر اسلام تا دوره معاصر خویش و محدوده مکانی تحقیقش از اندلس و مراکش و شمال آفریقا گرفته تا شبه قاره هند است. با وجود این خودش با فروتنی تمام اعتراف می‌کند که دودمان‌های ذیل را از قلم انداخته است:

- مشعشعیان خوزستان

- خان‌های مسلمان سیبری

- امیران عرب و هوسه در حاشیه صحرای آفریقا

- بسیاری از فرمانروایان اندونزی

- شهریاران مادورا در جنوب هندوستان

در فاصله سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۱ میلادی دو تن از اساتید مصر به نام‌های: دکتر زکی محمدحسن بک و حسن احمد محمود کتاب زامباور را تحت عنوان معجم الانساب و الاسرات الحاكمة فی التاريخ الاسلامی به زبان عربی ترجمه کردند. آنان برای تکمیل و نوشتن حواشی بر آن کتاب از تاریخ دول اسلامیة خلیل ادهم نیز بهره جستند اما برخی از مطالب اصل کتاب و شجره‌نامه‌ها را حذف کردند. ترجمه فارسی این کتاب در سال ۱۳۵۶ هجری شمسی از روی چاپ عربی به‌وسیله شادروان محمدجواد مشکور به طبع رسید. این پژوهش از این مأخذ بسیار بهره می‌برد و آن را اساس کار خود قرار داده و مطالب آن را تصحیح و تکمیل کرده است.

سلسله‌های اسلامی

تألیف کلیفورد ادموند بوسورث (C.E. Bosworth) استاد دانشمند دانشگاه منچستر. از باسورث کتاب‌های دیگری تحت عنوان‌های تاریخ غزنویان، تاریخ سیستان و بخشی از پژوهش دانشگاه کمبریج تحت عنوان تاریخ ایران به زبان فارسی ترجمه شده است. ایشان در حال حاضر نیز سرگرم تکمیل کتاب یادشده خود تحت عنوان سلسله‌های اسلامی هستند (این کتاب نیز تألیف و ترجمه شد ولی درباره سلسله‌های ایرانی مطلب قابل توجهی بدان افزوده نشده است). باسورث نخستین بار کتاب سلسله‌های اسلامی را به سال ۱۹۶۷ میلادی منتشر کرد. این اثر به‌وسیله آقای فریدون بذره‌ای و توسط بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی ترجمه شد و به زیور طبع درآمد و بار دیگر به همت پژوهشگاه علوم انسانی به سال ۱۳۷۱ در تهران تجدید چاپ شد.

هرچند این مستشرق غربی در کارهای خود دارای دقت و قدرت تجزیه و تحلیل قابل توجهی است و شکی نیست که کارهایش از جمله پژوهش‌های برجسته ایران‌شناسی در جهان به شمار می‌رود؛ ولی کتاب سلسله‌های اسلامی از لحاظ حجم مطالب و تعداد دودمان‌های مسلمان به یک سوم کتاب خلیل ادهم هم نمی‌رسد چه رسد به تألیف جامع زامباور و این مطلبی است که مترجم فارسی نیز به آن اشاره کرده است. با این حال تألیفات باسورث تا آنجا که به ایالت سیستان مربوط می‌شود از دقیق‌ترین و کامل‌ترین کارهاست.

تاریخ شروان و دربند

تألیف ولادیمیر مینورسکی به سال ۱۹۵۸ میلادی که به‌وسیله آقای محسن خادم به فارسی ترجمه شد و به همت بنیاد دایرةالمعارف اسلامی در تابستان ۱۳۷۵ هجری شمسی به چاپ رسیده است.

این کتاب در واقع تعلیقات مینورسکی بر جامع‌الدول منجم‌باشی است.

احمد بن لطف‌الله سلاتیکی ملقب به احمد عاشق منجم‌باشی، نخستین مورخی است که کتاب منظمی درباره تاریخ دولت‌های اسلامی به رشته تحریر درآورد.

وی کتاب خود را تحت عنوان جامع‌الدول به عربی نوشت و سپس آن را خلاصه کرد و به ترکی برگرداند و نام اثر اخیر را صحایف الاخبار نهاد.

جامع‌الدول از نوع تواریخ عمومی است که تاریخ خلفا، سلاطین، امرا و ولات مسلمان را شامل می‌شود. ولی

مینورسکی - محقق شهیر روس - فصل‌های مربوط به شروان و دربند را به طور کامل ترجمه کرد و در پایان هر فصل نظرها و حاصل تحقیقات خود را با توضیحات کامل به عنوان تعلیقات بر آن افزوده است. در این تعلیقات مینورسکی با استفاده از منابع دیگر تاریخی به ویژه سکه‌ها و تحقیقات سکه‌شناسان روس چون مارکوف؛ همچنین مقایسه با دیگر متون کهن تاریخی چون یعقوبی به نتایج ارزنده‌ای رسیده است که در کتاب‌های دیگر شرق‌شناسان به چشم نمی‌خورد. مینورسکی ضمن بررسی دودمان‌های شروان شاهان، ساجیان، سالاریان و روادیان از تحقیقات پژوهشگران مقدم خود مانند احمد کسروی نیز بهره جست و به خوبی در متن یا حواشی به منبع مورد استفاده‌اش اشاره کرده است. به این ترتیب در بین تمام تحقیقات این کتاب منحصر به فرد و بسیار ارزشمند است.

دیگر تحقیقات

۱. ترجمه فارسی ترکستان‌نامه بارتولد؛ جلد اول صفحات ۶۷۲-۴۴۱ درباره امیران خراسان مأخذی مهم محسوب می‌شود. تحقیقات بارتولد به ویژه کتاب مذکور دارای قوت‌های بسیاری است و مؤلف سخنی را بدون تکیه بر منابع ننوشته است. با وجود آنکه در بخش مورد نظر، بارتولد به شاهزادگان یاغی سامانی اشاره کرده اما از امیران محلی خراسان و ماوراءالنهر کمتر یاد کرده است.

۲. تاریخ ایران، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد چهارم (ترجمه حسن انوشه).

الف) بخش دهم این کتاب با عنوان «سکه‌شناسی» نوشته استاد فقید سکه‌شناسی دوران اسلامی جورج. سی. مایلز (رئیس پیشین انجمن سکه‌شناسی ایالات متحده آمریکا در نیویورک A.N.S) حاوی مطالبی درباره سکه‌های ایرانی از صدر اسلام تا ابتدای غزنویان است. هرچند مایلز اطلاعات و آگاهی قابل توجهی از سکه‌های دروان مذکور داشت ولی در پژوهش دانشگاه کمبریج به خلاصه کارهای خود؛ یعنی به کلیات پرداخته است. لذا این تحقیق تنها از تصاویر پیوستی سکه‌ها و فهرست ضرابخانه‌ها بهره جسته است.

ب) بخش ششم پژوهش دانشگاه کمبریج با عنوان سلسله‌های کوچک شمال ایران، تحقیق پروفیسور دبلیو مادلونگ است که صفحات ۲۱۵-۱۷۸ آن مربوط به مقطع زمانی مورد نظر این نوشتار است. در طی صفحات یادشده به این دودمان‌ها اشاره کافی شده است:

قاروند، علویان حسنی طبرستان، علویان حسینی طبرستان و گیلان، زیاریان، سرداران دیلمی علویان، اسپهبدان باوندی، استانداران رویان، جستانیان، سالاریان، بنی هاشم، بنی داود، ساجیان، شروان شاهان، روادیان و شدادیان. در میان ایران‌شناسانی که در قید حیات هستند و در حال حاضر درباره فرمانروایان محلی ایران قرون دوم تا پنجم هجری تحقیق می‌کنند، هیچیک به اندازه پروفیسور مادلونگ به کار خود اشراف ندارد و فعلاً باید آن را سخن پایانی دانست؛ چرا که او علاوه بر مطالعه تمام منابع و متون کهن، همچنین تحقیقات معاصرین چون بارتولد، مینورسکی، لسترنج و کسروی، به سکه‌نوشته‌ها اشراف کامل دارد؛ گویی سکه‌ای از امیری محلی وجود نداشته است که پروفیسور مادلونگ از آن بی‌اطلاع باشد.

۳. تاریخ مردم ایران، ج ۲، عبدالحسین زرین کوب.

این اثر مبتنی بر تحقیقات وسیع و گسترده همراه با تحلیل‌های باریک و نکته‌سنجی استاد فقید دکتر عبدالحسین زرین کوب است. در این کتاب از صفحه ۶۱ تا ۷۳ درباره قیام‌های خراسان بعد از قدرت‌گیری ابومسلم تا روی کار آمدن طاهریان سخن می‌رود.

بخش‌های بعدی کتاب تا قبل از روی کار آمدن ترکان، ضمن مروری مختصر بر رویدادها به تحلیل دقیق و

برجسته‌ای از آن‌ها می‌پردازد. اما از آنجا که ایشان بیشتر از متون کهن و اخبار روایی بهره جسته‌اند طبعاً تا حد زیادی تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفته‌اند؛ همچون ارتداد مازیار و ... البته در پاره‌ای موارد با تعجب در می‌یابیم که گویا ایشان به منابع دیگری که دیگران دسترسی نداشته‌اند و احتمالاً به سکه‌ها مراجعه کرده‌اند. به گونه‌ای که صراحتاً به خارجی بودن علی بن محمد برقی اشاره کرده‌اند و این مطلب مهمی است که با مطالعه و بررسی سکه‌های صاحب الزنج می‌توان دریافت. در هر حال این پژوهش کمتر از این کتاب بهره جسته است.

۴. درباره امیران محلی نواحی شمال شرقی ایران (بخارا - ریچارد. ن. فرای)
۵. درباره امیران محلی نواحی شمال غربی ایران (شهریاران گمنام - احمد کسروی)
۶. درباره امیران محلی نواحی غربی ایران (فرمانروایان گمنام - پرویز ادکایی)
۷. درباره امیران محلی نواحی سواحل دریای مازندران (چندین تحقیق و رساله از رایینو و همچنین شهریاران گمنام کسروی)
۸. درباره محل ضرب سکه‌ها (دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی - عبدالله عقیلی)
۹. معرفی و خواندن سکه‌های اسلامی (تمام کتابهای چاپ شده در تبریز تألیف سید جمال ترابی طباطبایی)
۱۰. *A Checklist of Islamic Coins* نوشته استو آلبوم، بازنگری سوم، (۲۰۱۱)، این پژوهشگر سکه‌شناس در کتاب خود فهرست همه سکه‌های اسلامی جهان اسلام را آورده و به حق به آنها اشراف لازم را داشته است. این پژوهش برای تکمیل اطلاعات از بخش ایران - صص ۱۸۲-۱۴۵ - بهره جسته است.